

۲۹ بهمن ماه ۱۳۳۲ خورشیدی
روزي كه " ای ایران " میهنی ترین سرود ملي جهان شد

میترا دهموید: درست ۵۶ سال پیش در چنین روزی، سرود «ای ایران»، میهنی ترین و مهیج ترین سرود ملي، اعلام شد. ۲۹ بهمن ماه ۱۳۳۲ خورشیدی، در چهارمین روز از نشست فراملي (بین المللي) کارشناسان سرودهاي ملي در وین (پایتخت اتریش)، پس از گفت و گوهاي بسیار، کارشناسان و متخصصان، در بیانیه ي پایانی خود، سرود «ای ایران» را از نظر درونمایه و آهنگ، میهنی ترین و مهیج ترین سرود ملي، اعلام کردند. ناخودآگاه دست بر سینه می گذارم، می ایستم و بلند بلند ای ایران را همراه با همه می خوانم، از تلویزیون و رادیو پخش شود یا در همایش و سمینار باشد و یا حتی اگر بر تکه ای کاغذ باشد که در دست گرفته ام، تفاوتی ندارد، می ایستم و با همان احساسی آن را زمزمه می کنم، که نخستین بار پس از شنیدنش، تکرارش کردم.

می دانم که شما هم همین احساس را دارید، همان گونه که کارشناسانی که سال ۳۲ از سراسر جهان در وین گرد هم آمده بودند و سرودهاي بسیاری را از جای جای این جهان پهنور، گوش داده بودند، چنین احساسی داشتند، نمی دانم شاید آنها هم دست بر سینه گذاشته و ایستاده بودند، شاید هم تلاش کرده بودند که آن را به زبان فارسی زمزمه کنند.

به هر روی این داستان هنوز هم ادامه دارد، حسین گل گلاب، سراینده ي این سرود است و «روح الله خالقي» آهنگسازش. زمانی که این سرود، سروده شد و آهنگ گذاری شد، ایرانی دلش از دست بیگانگان پر بود. به زبان آن روزها، ایران پر از اجنبی بود، جنگ جهانی دوم بود و سربازان ریز و درشت انگلیسی و روسی نه تنها حرمت زنان و مردان ایرانی را شکسته بودند، که حرمت خاک ایران را نیز، زیر پا گذاشته بودند. هما گل گلاب، دختر حسین گل گلاب است، تنها کسی که از خانواده ي گل گلاب در دسترس بود تا از او درباره ي حسین گل گلاب بپرسیم و او گفت: «پدر عاشق ایران بود».

هما گفت: «همه ي اینها به ژنتیک افراد بازمی گردد، او با همه ي وجودش با تکتک سلول هاي بدنش، ایران را دوست داشت و غم و اندوه این خاک و مردمانش، غصه و اندوه او هم بود.»



هما گل گلاب، پزشك داروساز است، دوره‌ي درس و كتابش را در ژنو و در آمريكا گذرانده، اما ايران آن جايي است كه او از كودكي دوست داشته به آن خدمت كند و البته كه اين كار را هم كرده است. او يكي از ۱۵ تن از نخستين هموندان هيات علمي دانشگاه تهران است.

هما گفت: پدر عاشق ايران، گل و گياهانش و كوه و در و دشتش بود. همهي روزهاي تعطيل را كت و كلاه مي‌كرديم و مي‌زديم به كوه. از بالاي كوه آدم عاشق‌تر است. حتما همهي آنهايي كه جاي‌جاي ايران را از فراي كوه‌هاي کوتاه و بلندش ديده‌اند، مي‌دانند كه عاشقي كه از بلندي‌ها به عشقتش نگاه مي‌كند، چه حسي دارد.



هما گل‌گلاب رو به‌رويم نشسته بود و داشت از پدرش مي‌گفت و من شيفته‌ي خانه‌اي بودم كه پر بود از گل و گل‌دان. همه جاي اين خانه سبز بود و هما گل‌گلاب، همچون سيبی بود كه از ميانه به دو نيم كرده باشند، هما خيلي شبیه پدرش بود.

حسين گل‌گلاب، استاد گياه‌شناسي دارالفنون، دبيران نظام و دانشكده‌ي پزشكي بود. تا سال ۱۳۰۷ خورشيدي دوازده جلد كتاب در رشته‌ي علوم طبيعي نوشت بنابراین به نظرم پر بيراه نيست كه خانه‌ي دخترش هم همچون خانه‌ي قديمي‌خودش پر از گل و گل‌دان باشد.

هما گفت: خانه‌مان يك خانه‌ي قديمي‌مان، به تمام معنا، ايراني بود با يك حياط بزرگ كه پر از گل بود و درخت، آن هم از گونه‌هاي نايابش، از گونه‌هايي كه بيشرشان تنها ويژه‌ي ايران است و اين آب و خاك.



آپارتمان هما خیلی بزرگ نبود اما گلدان‌های سبزی که از در و دیوار آویزان بود، آنچنان بودند که آپارتمان بودن این خانه، به چشم نمی‌آمد. هما گفته بود که عشق به ایران ژنتیکی است و من با وجود این همه سبزینه، فهمیدم که عشق به گیاهان هم ژنتیکی است.

این آپارتمان کوچک یک بالکن کوچک هم داشت پر از گلدان و گیاه و البته یک عالمه سی‌دی که از نخ آویزان بود و به هر جنبش بادی تکان می‌خورد و برق می‌زد. از همان آغاز می‌خواستم بدانم داستان این سی‌دی‌ها چیست اما تا پایان گفت‌وگو دندان روی جگر گذاشتم تا این‌که سرانجام فهمیدم که اینها آنجا آویزان شده‌اند تا پرنده‌ها کاری به سبزی‌های تره و شاهی و گلدان‌های گل هما خانم نداشته باشند.

هما گفت: من ایران را دوست دارم و همچون همه‌ی ایرانی‌ها این هوا و جو را دوست دارم. اینها باعث زندگی من است.



هما گفت: پدرم گیاه "پرسیاوشان" را فرای همه‌ی گیاهانی که پرورش می‌داد، دوست داشت. همیشه در دفتر کارش، روی میزش، همان‌جایی که پر بود از دفتر و کتاب و نوشته، یک گلدان پر سیاوشان داشت، سبزی سبزی.

هما خودش هم دو سه تا گلدان پر سیاوشان دارد. یکی را درون آشپزخانه گذاشته. از او خواستیم تا به گلدان آب بدهد تا از او و این گلدان سبزی، عکس بگیریم. هنگامی که داشت به گلدان آب می‌داد، آنچنان با احساس بود که یک لحظه خواستیم تا به جای پرسیاوشان توی آن گلدان باشیم.



هما گفت: بابا در دارالفنون درس خوانده بود، دیپلم گرفته بود و در دارالفنون تدریس می کرد. لیسانس حقوق و علوم سیاسی هم داشت و همچنان در دارالفنون آموزگار بود. بعدها دکترای علوم گرفت، معاون دانشکده پزشکی بود، هموند انجمن موسیقی ایران و در کنار همه ی اینها يك ایرانی بود که ایران را بی چون و چرا دوست داشت.



هما گل گلاب گفت: همیشه سر خاک بابا که می رویم پیش از هرکاری سرود ای ایران را می خوانیم. بابا با ای ایران تا همیشه زنده و ماندگار است. هما، لحظه ای سکوت کرد و گفت: گفتم که بابا عاشق ایران بود و همین عشق او و سروده اش را جاوید کرده است همچون روح الله خالقی که آهنگساز ای ایران بود و استاد بنان که خواننده ی این سرود بود.



هما سروده ی ای ایران به خط حسین گل گلاب نشانمان داد، دست نوشته ای که از نگاه من يك گوهر است. سروده ی آذربادگان هم بود.

هما، برایمان از حسین گل‌گلاب عکسی را آورد که خودش خیلی دوست داشت و آن را در کنار دست‌نوشته‌های پدرش گذاشت، دست‌نوشته‌هایی که حسین گل‌گلاب در آن، با سال و روز تولدش آغاز کرده و چنین نوشته است: "تولد من در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۴ هجری قمری در تهران اتفاق افتاد ولی در سجل‌احوالم که چندسالی بعد گرفته شده، ۱۲۷۴ هجری شمسی نوشته شده که مقارن ۱۳۱۲ قمری می‌شود یعنی دو سال اضافه نوشته‌اند".

این دست‌نوشته‌ها ادامه داشت و حسین گل‌گلاب در این چند رویه (صفحه)، کم و بیش کارهایش را نوشته بود. حسین گل‌گلاب با موسیقی آشنا بود و آشنایی بیشترش با بنیاد مدرسه‌ی موسیقی وزیری که کنل علینقی وزیری، بنیان‌گذارش بود، آغاز شد. استاد روح‌الله خالقی که ساخت آهنگ بسیاری از سروده‌های گل‌گلاب را انجام می‌داد، در خاطراتش می‌نویسد: «تصور نمی‌شد یک مرد عالم فیزیک‌دان و شیمی و ریاضی‌دان و نبات‌شناس و سنگ‌شناس، شعر هم بگوید! استعداد فوق‌العاده‌ای داشت.»



هما ما را به درون اتاقی برد که پر بود از کتاب. اشاره ای کرد و گفت: "بسیاری از این کتاب‌ها مال پدر است. هنوز هم چیزهای زیادی از پدر می‌شود از لابه‌لای این کتاب‌ها بیرون آورد".

هما گفت: "بابا، هموند و زمانی سردبیر فرهنگستان زبان بود و واژه‌های بسیاری را جایگزین واژه‌های وارداتی علوم طبیعی کرد. لابه‌لای کتاب‌های کتابخانه، پر است از برگه‌هایی که واژه‌های فارسی جایگزین واژه‌های بیگانه شده‌است. بابا عاشق ایران بود و می‌خواست ایرانی تا همیشه ایرانی بماند با فرهنگ، زبان و سنت‌های ویژه ایرانی.



پیکره ۱۹۲۲: شاهروان حسین گل‌گلاب (چپ) با خواهرانش و دو تن دیگر
میرزا مهدی خان منصور الملک، دهه ۱۳۲۰ هـ. ق. با همسرش منصور

پیکره ۱۹۲۳: حسین گل‌گلاب خان منصور الملک، ملک از روسی خان (۱۲) دهه
۱۳۲۰ هـ. ق. با همسرش منصور

عكس سمت راست، عكسي از مهدي مصور الملك است، پدر حسين گل گلاب. در عكس دومي نيز حسين گل گلاب را مي توانيد در نوجواني ببينيد، سمت چپ و در کنار خواهرش نشسته است.



هما گل گلاب، درون همان اتاقي كه پر از كتاب بود، يك رايانه داشت، روشن كرد، پشتش نشست و يكسري چيزها را نشاتمان داد. هما عكسي از آرامگاه حسين گل گلاب را نشان داد و گفت: "پيدا كردن آرامگاه بابا چندان سخت نيست، روي آرامگاهش نوشته ايم: اي ايران اي مرز پر گهر."



ساعت ۳ پسین رفته بودیم به خانه‌ی دختر حسین گل‌گلاب. نزدیک به ۳ ساعت و نیم درباره‌ی خودش و پدرش به گفت‌وگو نشستیم، هنگامی که داشت بدرقه‌مان می‌کرد، همان لبخندی را بر لب داشت که به هنگام ورود با آن، روبه‌رو شده بودیم.

سرمان را به زیر انداختیم و راهی شدیم ولی امروز که این مطلب را نوشتم به یاد آن گفت‌وگو که همه‌اش پیرامون ایران و منش ایرانی و سرود ای ایران بود، با خودم گفتم امروز چه روز خجسته‌ای است، امروز روز ای ایران است، روزی که باید بایستیم، دست بر سینه بگذاریم و بخوانیم :

ای ایران، ای مرز پرگهر/ای خاکت سرچشمه‌ی هنر/
دور از تو اندیشه‌ی بدان/ پاینده مانی و جاودان/
ای دشمن از تو سنگ خاره‌ای من آهنم/جان من فدای خاک پاک میهنم/
مهر تو چون شد پیشه‌ام/ دور از تو نیست اندیشه‌ام/
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما/ پاینده باد خاک ایران ما/
سنگ کوهت در و گوهر است/خاک دشتت بهتر از زر است /
مهرت از دل کی برون کنم/برگو بی‌مهر تو چون کنم/
تا گردش زمین و دور آسمان به پاست/نور ایزدی همیشه رهنمای ماست/
مهر تو چون شد پیشه‌ام/ دور از تو نیست اندیشه‌ام/

در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما/ پاینده باد خاک ایران ما/